



در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه ژانویه ۲۰۱۴

نامه رسیده

سن ولانتین و نظامی شاعر داستان‌های عاشقانه

به یاد رضا مرزبان

در شناخت محیط

اندیشه‌های جاودان سعدی

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه ژانویه ۲۰۱۴

جلسه ماه ژانویه اختصاص به شروع کار و معرفی هیئت مدیره جدید و تشکر و قدردانی از هیئت مدیره سال قبل داشت. در ابتدا، سخنگوی هیئت مدیره امسال، پس از تبریک سال نو میلادی، از کلیه اعضای محترم انجمن که در جلسه مجمع عمومی سالیانه ماه دسامبر (انتخابات هیئت مدیره) شرکت داشتند و همچنین از هیئت مدیره سال قبل تشکر کرد و موفقیت آنها را در سال جدید خواستار شد. سپس هیئت مدیره امسال به معرفی خود پرداخت و برنامه‌های آینده و مسئولیت‌هایی را که عهده‌دار شده‌اند تشریح کردند.

در ادامه جلسه عمومی، برای قدردانی از اعضای هیئت مدیره سال قبل، طبق روال همه ساله، کادوهای کوچکی از طرف هیئت مدیره جدید به اعضای هیئت مدیره سال قبل اهدا شد. سپس گزارش مفصلی توسط حسابدار انجمن و بیلان سال قبل انجمن ارائه شد که نشان دهنده نتیجه بسیار درخشانی در سال قبل می‌باشد. برای مثال مبلغ کل ودیعه‌های اعضای انجمن به مقدار ۱۵ درصد افزایش یافته و تعداد ۴۳ نفر در سال قبل وام دریافت کرده‌اند و بنا به این گزارش مبلغ حق عضویت‌ها نیز با افزایش قابل توجهی روبرو بوده که علی‌رغم مخارج انجمن مبلغ قابل توجهی به هیئت مدیره جدید تحویل داده شده است.

در ادامه جلسه، مسئول جدید انجمن در باره برنامه‌های آینده هیئت مدیره از جمله: بزرگداشت روز جهانی زن (هشتم مارس)، برگزاری کامل و مفصل جشن نوروز، ادامه فعالیت در زمینه کتابخانه سیار انجمن و پخش کتاب، تهیه و تنظیم دفترچه پیشنهادات و انتقادات، صدور کار عضویت انجمن برای اعضا، نشر و چاپ ماهنامه انجمن مانند سال‌های قبل، مسابقات شطرنج و یک روز راهپیمایی در پاریس و پیکنیک و غیره توضیحات مفصلی داد.

بخش آخر جلسه انجمن، بحث آزاد بود که در باره تظاهرات تاکسی‌ها در روز ۱۳ ماه ژانویه که از طرف برخی از سندیکاها تعیین شده بود، اختصاص داشت که نماینده هیئت مدیره توضیحاتی در مورد سه مسئله اساسی این تظاهرات که در رابطه با VTC و افزایش TVA از ۷ درصد به ۱۰ درصد و مشکلات کورس‌های CPAM (بیمه‌های درمانی) بود بطور مفصل توضیح داد.

و خاطرنشان کرد که این مسائل قبلاً از سال ۲۰۰۹ توسط اکثریت سندیکاها با دولت مذاکره شده و در سال قبل (۲۰۱۳) به صورت قانون به تصویب دو مجلس فرانسه با اکثریت آراء رسیده است و همچنین در Conseil d'Etat نیز تأیید شده، بنابراین هر نوع تغییر این قوانین در حال حاضر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

موفق و پیروز باشید
هیئت تحریریه انجمن



اطلاعیه

به مناسبت ۸ مارس، بزرگداشت روز جهانی زن، هیئت مدیره انجمن به اطلاع کلیه اعضای محترم و همکاران گرامی می‌رساند که جلسه عمومی ماه مارس در روز دوشنبه ۳ ماه مارس در سالن

AGECA

177, rue de Charonne, Paris 75011

از ساعت ۱۹.۳۰ همراه با مراسم ویژه (شعرخوانی، موسیقی، سخنرانی، نمایش فیلم...) برگزار می‌شود.

شرکت فعال و گسترده شما اعضای انجمن و همکاران عزیز همراه با همسران گرامی‌تان در این روز باعث افتخار و پویایی انجمن و همچنین احترام به روز جهانی زن می‌باشد.

هیئت مدیره انجمن



نامه رسیده

در گزارش هیئت مدیره مندرج در ماهنامه انجمن به تاریخ ژانویه ۲۰۱۴، نسبت به همبستگی و همیاری اعضای انجمن اشاراتی شده است.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم ضمن سپاس فراوان از یاری و همیاری همکاران و دوستان گرامی انجمن تاکسیران و از کمک‌هایی که نسبت به من می‌ذول داشته، نهایت تشکر را بنمایم. از کمک‌های مالی گرفته تا انجام کارهای اداری و ابراز عواطف انسانی و دوستی بی‌شائبه‌شان در آن لحظات سخت و دشوار و بویژه تنهایی و درد و رنج در بیمارستان، مرا فراموش نکرده‌اند، بسیار سپاسگزار بوده و امیدوارم که چنین وضعیتی در آینده برای همکاران عزیزم پیش نیاید.

برایتان سلامتی و موفقیت و شادی آرزو می‌کنم.

فتانه - ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴

سن ولانتین (Saint Valentin) و نظامی شاعر داستان‌های عاشقانه

۱۴ فوریه را روز عشاق به نام سن ولانتین نامگذاری کرده‌اند. این سنت ترکیبی است از آئین و مراسم مذهبی و غیرمذهبی متعلق به دوره‌های مختلف تاریخ. در روم باستان یک ماه پیش از بهار جشنی برای بزرگداشت باروری زمین و نیایش به درگاه خداوند برپا می‌نمودند که در قرن سوم آن را به نام یکی از کشیش‌های مقدس که عشاق را پنهانی براساس آئین مسیحیت به ازدواج یکدیگر درمی‌آورد، سن ولانتین، نام نهادند.

حدود ده قرن بعد هم یکی از پاپ‌های کاتولیک این روز را رسماً روز عشاق نامید. از نقطه نظر مردم‌شناسی، روز عشاق روزی است که طی آن می‌توان بندها و اجبارهای اعتقادی و اجتماعی را نادیده گرفت و به راه دل برفت. در دورانی که ازدواج عموماً بر پایه ملاحظات و مصلحت‌های قبیله‌ای، مالی و خانوادگی سر و سامان می‌گرفت در واقع معامله می‌شد. روز عاشقان فرصتی بود که ابراز عشق در خارج از این محدوده مجاز شمرده می‌شد و دلدادگان می‌توانستند با آسایش خیال در مهمانی‌ها و جشن‌ها با هم نزدیک شوند، هدیه‌ای رد و بدل کنند و قرار مدارهائی با هم بگذارند.

امروز در بسیاری از کشورها از جمله ایران نیز در روز سن ولانتین که در ایران به ولانتاین معروف است، بازار هدیه و گل و پیامک‌های تلفنی به قول ما SMS برقرار است و بسیار هم رونق دارد. من هم برای عشاق هم‌وطن و هم‌کار مختصری از تاریخچه و چند قطعه شعر عاشقانه نظامی گنج‌های را در نظر گرفتم که امیدوارم مورد پسند قرار بگیرد.

نظامی گنج‌های شاعر قرن ششم در شهر گنجه به دنیا آمد و در سرودن داستان‌های عاشقانه استادی مسلم است. نظامی در سرودن داستان‌های عاشقانه به جایگاهی دست یافته که پس از او اکثر سرایندگان منظومه‌های عاشقانه تحت تأثیر او بوده و هستند.

مادر نظامی «رئیسه گرد» نام داشت. پدرش از عراق به شهر گنجه مهاجرت کرده بود. خانواده نظامی از طرف مادر گرد بودند و از طبقه‌ی اعیان جامعه به شمار می‌رفتند.

نظامی در گنجه متولد شد و در همانجا نیز ساکن بود. در مجموعه علوم دارای اطلاعات کافی

بود و لقب حکیم داشت. در ادب تبحر عالی داشت و در نجوم دارای سررشته‌ای بسزا بود. قدرت طبع او به قدری ژرف و وسیع بود که به گفتگوی خودش چون ابر بارنده بود.

نظامی در داستان‌ها، جهان دلپذیر رنگین عشق را زنده و شورانگیز در برابر ما تجسم می‌بخشد. نظامی در داستان‌های عاشقانه خویش توانسته است برای آنچه در ضمیر داشت «صورت ادبی» یا فرم ادبی مناسب را بیافریند. به همین دلیل نظامی را مبتکر و آفریننده زبان و طرز بیان در منظومه‌های عاشقانه فارسی می‌توان دانست. در میان پنج دفتر شعر او داستان‌های بزمی خسرو شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر درخششی خاص دارند و اوج هنر نظامی را نشان می‌دهد. منظومه‌های نظامی در خواننده تأثیر عمیق دارد و می‌تواند او را دگرگون کند.

پنج گنج یا خمسه نظامی مشهورترین اثر وی می‌باشد که شامل پنج مثنوی است.

مثنوی اول مخزن الاسرار که شامل مواظظ و حکایات می‌باشد.

مثنوی دوم خسرو شیرین است که داستان عشق خسرو پرویز و شیرین برادرزاده ملکه اقلیم ارمن می‌باشد.

سومین مثنوی لیلی و مجنون است که داستان غم‌انگیز عشق آن دو می‌باشد.

مثنوی چهارم هفت پیکر است که در باره زندگی و سلطنت بهرام گور می‌باشد.

پنجمین مثنوی اسکندرنامه می‌باشد که شامل دو قسمت است: شرفنامه که شامل داستان زندگی اسکندر و جنگ‌های او می‌باشد و قسمت دوم اقبال‌نامه نام دارد که در باره مجالس و مناظره‌های او با دانشمندان می‌باشد.

هرمان آنه و ادوارد براون که از مورخین ادبیات و زبان فارسی می‌باشند، نظامی را استاد داستان رمانتیک خوانده‌اند.

عشق است خلاصه وجودم

عشق آتش گشت، من چو عودم

عشق آمد و خاص کرد خانه

من رخت کشیده‌ام از میانه

با هستی من که را شمار است

من نیستم آنچه هست یار است

به یاد رضا مرزبان

رضا مرزبان روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه، چند روز پیش در سن ۸۵ سالگی در پاریس درگذشت. از آنجا که گاهی در ماهنامه انجمن تاکسیران هم مطلب می‌نوشت به عنوان احترام و بزرگداشت او، شعری که او در هشتاد سالگی‌اش سروده است در زیر درج می‌شود. یادش گرمی باد.

هشتاد سال و... هیچ!

زمان در راه است
زنگ در را می‌شنوی؟
هشتاد سالگی است
که با نوروز هم گام شده است!
او را چگونه می‌یابی؟
- خودی که در انتظارش نیستم!
بیگانه‌یی چون هشتاد سال پیش!
«آنی» که هرگز احساس نکرده‌ام - حتی به کوتاهی یک آه

رویایی که

هر چه می‌رود، به بیداری نمی‌رسد!
- در کودکی،
اسب عصار را دیده‌ام -
گاه می‌اندیشم:
زمان ساکن است؛ من هستم که در دایره آن می‌گردم.
اما نه...

زمانه هست و بیکرانه است

و در گذار و بی‌قرار
و هر چه هست... با زمانه می‌رود.
در زمانه می‌رود.
از زمانه می‌شود.
زمانه می‌رود.

به خود نهیب می‌زنم:

- تو کیستی؟ تو جیستی؟
در این فضای لامکان چه می‌کنی؟!
عیت گمان مبر به بودنت... تو نیستی، تو نیستی!
نهیب در فضا هزار پاره می‌شود - جرقه می‌شود -
شراره می‌شود.

دیر شد زمانه... دیر شد

نزد برای دیگران... کز برای من؛
زمانه با من آشنا نبود
من از زمانه بی‌خبر
درون لاک خود - حباب «من» -

کم گردد عشق من در این غم
گر انجم* آسمان شود کم
عشق از دل من توان ستردن
گر ریک زمین توان شمردن
* انجم = ستارگان آسمان

لیلی و مجنون

در حلقه عشق جان فروشم
بی حلقه او مباد گویشم
گویند ز عشق کن جدایی
این نیست طریق آشنایی
من قوت ز عشق می‌پذیرم
گر میرد عشق من بمیرم
پرورده عشق شد سرشتم
جز عشق مباد سرنوشتم
آن دل که بود ز عشق خالی

سیلاب غمش برادر حالی

لیلی و مجنون

عاشق آن شد که خستگی دارد
به درستی شکستگی دارد
عشق پوشیده چند دارم چند؟
عاشقم، عاشقم به بانگ بلند
مستی و عاشقیم بُرد از دست
صبر ناید ز هیچ عاشق و مست
گرچه بر جان عاشقان خواری‌ست
توبه در عشق گنه‌کاری‌ست
عشق با توبه آشنا نَبود
توبه از عاشقان روا نَبود
عاشق آن به که جان کند تسلیم
عاشقان را از تیغ چه بیم
هفت پیکر

عشقی که نه عشق جاودانی‌ست
بازچه شهوت جوانی‌ست
عشق آن باشد که کم نگردد
تا باشد از آن قدم نگردد
مجنون که بلند نام عشق است
از معرفت تمام عشق است
تا زنده به عشق بارکش بود
چون گل به نسیم عشق خوش بود

تهیه و تنظیم: داود

XXXXXX

چه سال‌ها که پشت سر نهادام
تا:

رسیده‌ام به آستانه‌یی که باورم نمی‌شود.
به آسمان نگاه کن!

که تار و بی‌کرانه است

به دورها و دورها

به روشنان کهکشان

به پای پرشتاب نورها

به شورها، نشورها

به انقطاع وصل‌ها، به فصل‌ها

به کورهٔ مذاب اختران در اوج‌ها، به موج‌ها

که بیکرانه‌شان چو قطره ذوب می‌کند:

زمان بیکران - که شخم می‌زند - مکان بی زوال هست

را -

غبارگونه‌یی که از پی زمانه است؛

و خود زمانه است

همان خروش بودن است، و هستن است و - رفتن است.

فسانهٔ حقیقت است - حقیقت فسانه است.

و ما - و کهکشان ما - و آسمان ما

- و این زمین آشیان ما

و رودبار زندگی که زادگاه آدمی در آن گم است

روایتی شکسته پسته، از غبار آن شتاب بی‌کرانیم.

از زمانه‌ایم.

زمان ما دراز نیست

تمام داستان آدمی، دمی است

زبون قهر کوهسار و خشم آسمان

ز غار، تا گذار دشت و مرغزار

سپس بنای شارسان و آزمون اختران

و آفرینش خدایگان؛ و بیم قهر جاودان!

و بردهٔ خیال خود شدن؛

خدای آدمی، تجسم خیال اوست - و آیت زوال اوست

به «اسب عصار» می‌اندیشم

که از کمین

مولوی با طعنهام آرد به یاد:

«ای برادر تو همان اندیشه‌یی»

که رها از جنگل و از کوه و غار

ره به سوی کهکشان بگشوده‌یی

هستی تو هستی اندیشه است

هست از او هر دانش و بینش که هست

پرسم از خود:

گر حجاب «من» طلسم بینش است

بی «من» اما بینشی ناید به دست
آدمی:

دنیای پر پیچ و به غایت بسته‌یی است

هر تنی تا هست، از تنها جداست.

«من» نشان این جدائی‌های ماست،

بی «من»، «اندیشه» کجا تابان شود؟

هست دیگر گر نباشد، «من» کجاست؟

به دور از بیکرانه، می‌اندیشم

- به زمانه می‌اندیشم

به انسان، که دیگر گله نیست - کوچ رو نیست -

به شهر خو گرفته است.

با لحظهٔ آشناست

و در روای آن

به از کور نو خدای زادگان

که در کمین او، چو گرگ‌هاست.

به دورها:

به فاجعه، به فاجعه،

به فاجعه که ذات بودن است و هستن است

به مردمی که سال‌ها و سال‌هاست -

ز رنج‌شان در آتشم

و دیده‌ام

که از - نو خدای زادگان،

چه گونه‌شان طلسم کرده است

به دخمه سار مردگان قرن‌های دور

در زمان من.

گرگ‌های هار.

که حملهور شدند؛

نبر بود و خانه به خانه بود

و گرگ‌های هار، مست خون!

- خطای ما پراکندگی -

تا توان داشتیم، تک تک،

(تاهاهنگ با هم)

میدان رها نکردیم.

- اما

تلاش ما اثر نکرد -

دخمه سار مردگان قرن‌ها، دهان گشوده بود؛

شکستن طلسم‌شان، به طالع تلاش ما نبود

نوروز

امروز، رقت.

و

من تنها

مساحت ۲۲۷,۰۰۰ مترمربع که شامل انبارها، مراکز داد و ستد و اداری است اکثراً از ساعت دوازده شب تا صبح حاضر به جابجایی مشتریان می‌باشند. به عبارت دیگر بازار رنژیس در طول شب فعال است و بدین طریق دکاتداران و بازرگانان و صاحبان رستوران‌ها برای خرید اجناس تقریباً بدون ترافیک از پاریس، حومه و حتی از شهرهای دیگر بدانجا سرازیر می‌شوند.

در واقع مرشه رنژیس برای خودش شهری و دنیای دیگریست و در سکوت شب وقتی بدانجا می‌رسیم با توجه به جنب و جوش غرفه‌های مختلف، شب را فراموش می‌کنیم. در قهوه‌خانه‌های متعدد قیافه‌های متنوعی را می‌بینیم که در مورد موضوعات مختلف بحث می‌کنند و گپ می‌زنند که گاهی سر درآوردن از صحبت آنان برای غریبه آسان نیست!

در کل حدود پانزده پایون کالا و اجناس مختلف را عرضه می‌کنند که اکثریت آنان بخصوص میوه‌جات و سبزیجات است. چهار پایون برای گوشت و لبنیات و یک سالن مخصوص برای انواع و اقسام حیوانات درانی است. یک پایون نیز برای گل و گیاه است که از نقاط مختلف دنیا با کامیون و هواپیما و قطار به این بازار آورده شده‌اند.

اخیراً آزمایشگاه‌های متعددی نیز ساخته شده‌اند که انواع و اقسام جنس‌ها را تست می‌کنند که مطمئن شوند ویروس و میکروب و یا بطور کلی آلودگی نداشته باشند.

ضایعات و اضافات: هر روز چندین تن از اجناس فروش نرفته و یا تاریخ گذشته و فاسد شده به محل Tri de déchet رنژیس هدایت می‌شوند. قسمتی از این اجناس که هنوز قابل استفاده است به وسیله یک انجمن همبستگی که در سال‌های اخیر بوجود آمده، جدا شده و به مصرف مراجعین انجمن‌های خبریه می‌رسد. بقیه اضافات که قابل سوخت‌اند در کوره‌های بزرگ شوفاز سوزانده می‌شوند تا انرژی حاصل به مصرف شوفاز این ساختمان‌ها رسیده و قسمتی هم به فرودگاه اورلی هدایت شود. توصیه می‌کنم اگر در اوایل صبح راهتان به رنژیس افتاد به دیدنش می‌ارزد!

رسول

XXXXXX

اندیشه تنها

زمانه در گذر

و باز: دنیایی در من جاری

هشتاد سالگی رو به روی من ایستاده است

و حسرت مرا نظاره می‌کند!

اول (و) چهارم فروردین ۱۳۸۷

رضا مرزبان

XXXXXXXXXX

در شناخت محیط:

بازار بین‌المللی رنژیس

(Marché de Rungis)

بازار رنژیس با مساحت ۲۲۲ هکتار واقع در منطقه وال دو مارن (Val de Marne) یعنی در نقطه استراتژیک استان ایل دو فرانس در تقاطع اتوبان A6 و A86 نزدیک فرودگاه اورلی قرار گرفته است و با محصولات و اجناسی که از مناطق مختلف فرانسه و کشورهای مجاور بدان سرازیر می‌شود یکی از بزرگترین بازارها بخصوص اولین عرضه کننده مواد غذایی تازه (produits frais) دنیا است.

در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، با افزایش جمعیت حومه پاریس، مارشه لهال (Marché les Halles) دیگر جابجایی تقاضای مایحتاج مردم نبود، از طرف دیگر وجود بازاری در قلب پاریس ترافیک‌ساز شده بود و با استانداردهای بهداشتی مطابقت نداشت، در نتیجه ایجاد یک محل توزیع اجناس در چارچوب مدرنیزاسیون و تحولات شهری ضرورت داشت و این چنین بود که بازار رنژیس (Marché d'intérêt national - MIN) بوجود آمد.

انتقال مارشه لهال (Marché Les Halles) و ویلت (Villette) را به رنژیس می‌توان یکی از جابجایی‌های بزرگ قرن بیستم در منطقه دانست زیرا که با این تغییر و تحولات حدود بیست هزار نفر تحت پوشش بیش از هزار شرکت کوچک و بزرگ با وسایل لازم خود به این محل نقل مکان کردند و بالاجبار با ریتم جدید و مدرن فعالیت‌شان را در ساختمان‌های مناسب که با توجه به نیاز آنان درست شده بود شروع نمودند. البته در رأس آن یک ساختمان دفتری سازماندهی و اداره کار آنان را هماهنگی می‌کند و ساختمان‌های مختلف سرپوشیده یا رنگ‌های گوناگون (les pavillons) به

اندیشه‌های جاودان سعدی

یکی از مهم‌ترین وقایع زندگی بشر، ابداع خط بود. ایرانیان یکی از اولین مللی بودند که خط میخی را که اقیای آن شبیه میخ است، ابداع نمودند. از همان زمان نوشتن سخنان پندآموز و حکیمانه به سنتی پسندیده در سرزمین کهن ایران تبدیل شد. نوشته‌های به جا مانده از گذشته‌های دور این سرزمین گنجینه‌ای جلودانه است که اخلاقی و انسانیت را به تمام بشریت آموزش می‌دهد.

در موزه تخت جمشید، سنگ نوشته‌ای به خط میخی از خشیارشا نگهداری می‌شود که سندی است به استحکام سنگ از فرزانه‌گی و فرهنگ بالای ایرانیان باستان و سعدی بزرگ وارث این فرهنگ است. مردی که در نظم و نثر بر قلمه‌های افتخار ایستاده است. به جرأت می‌توان گفت که مهمترین هدف از مطالعه، بهتر زیستن است. تمام تلاش سعدی نیز بر این است که بهتر زیستن را آموزش دهد و شکی نیست که در این راه موفق بوده است. در هریک از اشعار و یا حکایات او پندی نهفته است که بهتر زیستن را به خواننده آموزش می‌دهد. بعضی از اندیشمندان سیاسی و رهبران جامعه نیز شیفته عظمت او شده بودند. یکی از آنان، «سعدی کارنو» بود که در سال ۱۸۸۷ به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. سعدی کارنو در سال ۱۸۲۷ در فرانسه به دنیا آمد. بعد از یک سلسله فعالیت‌های ارزشمند و درخشان به نمایندگی مجلس و سپس به وزارت کار رسید و سرانجام در سال ۱۸۸۷ به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. در مدتی که این مسوولیت را داشت، اقتصاد آشفته فرانسه را سامان داد. هم اکنون خیابان‌های متعددی در شهرهای بزرگ فرانسه به نام وی نامیده می‌شود. پدر بزرگ وی (لزار کارنو) به سعدی عشق می‌ورزید و تحت تأثیر آنچه در گلستان، در سیرت پادشاهان و اخلاقی درویشان خوانده بود، افکاری آزادی‌خواهانه داشت و در انقلاب فرانسه و اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور نقش بسیار مهمی را ایفا کرد.

«لزار کارنو» به یاد شاعر شیراز، نام فرزند خود را که در گیرودار حوادث بعد از انقلاب به دنیا آمده بود، سعدی گذاشت. ولی کودک، عمر کوتاهی داشت و در گذشت. «لزار کارنو»، فرزند دوم را هم سعدی نام گذاشت که کودک هم در اثر ابتلا به بیماری وبا در گذشت. یکی دیگر از پسران «لزار کارنو» که سخت از این واقعه متأثر شده بود، با یاد برادر از دست رفته و با

ارج نهادن به افکار پدر، نام اولین پسرش را سعدی نهاد و این همان «سعدی کارنو» است.

این سرگذشت به داستان بیشتر شبیه است تا به واقعیت تاریخی، ولی نشان می‌دهد که اندیشه‌های سعدی نه تنها در پرورش افکار شاعران و نویسندگان کارگر بوده بلکه سیاستمداران و رهبران را نیز تحت تأثیر قرار می‌داده است. سخنان روشن او بی هیچ گمانی، گسترده‌تر از گفته‌های هر سخنور دیگر در ذهن و زبان فارسی‌زبانان جاری است. پانصد جمله از گلستان به صورت مثل درآمده است. اگر آثار دیگر سعدی را واثیم و تنها سه آفریده گزینهای او گلستان، بوستان و غزلیات را در نظر بگیریم، با سه شاهکار بی‌مانند ادبی روبرو هستیم که با نثری روان و شیوا، بنیادی‌ترین اندیشه، رفتار و کردار نیک آدمی را آموزش داده و از همان آغاز به روشنی با فرهنگ مردم در آمیخته است.

سعدی با اعتماد به نفس معتقد است که کتاب‌هایش، زندگی و اخلاقی آن روزگار را تحت پوشش قرار داده است:

نگفتند حرفی زبان آوران

که سعدی مثالی نگوید بر آن

سعدی و تخصص:

سعدی، آبادانی مملکت و موفقیت دولت را حاصل راهنمایی خردمندان و اهل اندیشه می‌داند و بنا بر این توفیق و کامیابی یک جامعه را تا حد زیادی وابسته به استفاده از متخصصین در امور مربوط به خود می‌داند.

ندهد هوشمند روشن رای

به فرومایه کارهای خطیر

بوزیا باف اگر چه بافنده است

نبردش به کارگاه حریر

او به مردم آموزش می‌دهد که کارهای خود را با کاردانان بپارند.

تفاوت ارزش‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف:

سعدی حالت و خواسته افراد را در شرایط گوناگون به خوبی درک کرده است. به عنوان مثال راجع به انسان که در پی طلا و نقره است و روزی ناگهان گرسنه در بیابان گرفتار می‌آید، چنین می‌گوید:

در بیابان فقیر سوخته را

شلمم پخته به که نقره خام

ارزش سلامتی:

سعدی به ما می‌آموزد که قدر سلامت خویش را بدانیم:

آنکه چون پسته دیدمش همه مغز
پوست بر پوست بود همچو پیاز
پارسایان روی در مخلوق
پشت پر قبله می کند نماز
ادامه دارد - بهروز

XXXXXX

تسلیم

همکار گرامی آقای داود شهسواری
بدین وسیله مصیبت وارده را به شما و خانواده
گرامیتان تسلیت گفته، برای شما صبر و شکیبایی
آرزومندیم.

انجمن تاکسیران

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر
ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای
کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می باشد.

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت
می کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه
فوریه شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۳ ماه فوریه

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱ - سخن هیئت مدیره

۲ - اطلاع رسانی پیرامون روز زن و جشن
نوروز

۳ - حضور مادام Chatehi در رابطه با حسابداری

۴ - بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

پایم برهنه بود استطاعت پای پوش نداشتیم به جامه
کوفه برآمدم دلتنگ یکی را دیدم که پای نداشت
سپاس نعمت حق به جا آورده و بر بی کفشی صبر
کردم.

سعدی معتقد است که انسان نباید با بدن

بنشیند:

هر که با بدن نشیند اگر طبیعت ایشان در او اثر
نکند به طریقت ایشان متهم گردد و اگر به خربلانی رود
به نماز کردن، متهم شود به خمر خوردن.

هنر از دید دشمن:

سعدی در یکی از حکایات در باره شیوه نگرش افراد
عیب جو و دشمنان سخن می گوید:

دیده دشمنان جز بر بدی نمی آید و آن که به دیده
انکار می نگرد صورت یوسف را زشت می بیند و هنر در
نظرش عیب می ماند.

جنگ عشق و تقوا:

سعدی معتقد است که عشق بر تقوا پیروز می شود:

هر کجا سلطان عشق آمد نمایند

قوت بازوی تقوی را محل

ازدواج پیر و جوان:

سعدی مخالف ازدواج زن جوان با مرد پیر است و

می گوید:

زن جوان را تیری در پهلوی نشیند به که پیری.

یعنی مرگ برای زن جوان بدتر از ازدواج با مرد پیر
است.

طرب نوجوان ز پیر مجوی

که دگر ناید آب رفته به جوی

تربیت فرزندان حاکمان:

سعدی معتقد است در تربیت فرزندان پادشاهان که
بعدها به مقام می رسند باید سخت گیری کرد زیرا
اشتباه آنان برای جامعه هزینه بسیار زیادتری نسبت به
اشتباه افراد عادی دارد. سعدی به وضوح طرفدار نظم
در جامعه است. امیر باید مواظف باشد که از تسلط بر
نفس هرگز غفلت نرزد، از نظر وی کلیه اصلاح جامعه،
اصلاح زمامداران است.

ریاستیزی سعدی:

سعدی یکی از مبارزان بزرگ در جدال با ریاکاران
دین ابرار است. او با زبانی آتشین بر آن که دین را مهر
خود می کند، تیغ می کشد. در گلستان افرادی را
می بینیم که روی در قبله دارند و پشت بر خدا و سعدی
همه جا با ریاکاران در ستیز است: